

This question paper contains 4 printed pages]

Roll No.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

S. No. of Question Paper : 5245

Unique Paper Code : 209303

C

Name of the Paper : Paper IX (Sufistic Literature)

Name of the Course : B.A. (Hons.) (Persian) (Part II)

Semester : III

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note : Unless otherwise required in a question, answers may be written in either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any one of the following passages into English or Urdu or Hindi : 20

از متون زیر فقط رابه زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید :

(A)

و مثل دل چون حوضی است، و مثل حواس چون پنج جوی است، که آب از وی به حوض آید، از بیرون۔ اگر خواهی که آب صافی از قعر حوض بر آید، تدبیر آن است که این آب جمله از وی بیرون کنی۔ و گل سیاه که از اثر این آب است هم بیرون کنی، و راه همه جویها پندی تا نیز آب نیاید، و راه همه جویها پندی تا نیز آب نیاید، و قعر حوض همی کنی تا آب صافی از درون حوض پدیدار آید و تا حوض بدان آب که بیرون در آمده است مشغول باشد۔ ممکن نشود از درون وی آب بر آید، همچنین این علم که از درون دل بیرون آید، حاصل نیاید۔ تا از هر چه از بیرون در آمده است خالی نشود۔ اما

P.T.O.

عالم اگر خویشتن را خالی کند از علم آموخته، و دل بدان مشغول ندارد۔ آن علم گذشته وی را حجاب نباشد، و ممکن بود که این فتح وی را بر آید، همچنان که چون دل از خیالات گذشته وی را احجاب نکند۔

(B)

و فتح موصلی به خانه دوستی شد۔ حاضر نبود۔ کنیزک وی را گفت تا صندوقچه بیاورد، تا آنچه خواست برگرفت، چون در شب به خانه باز آمد و بشنید که چه کرده، کنیزک را از شادی آزاد کرد۔ و یکی به نزدیک ابوهریره آمد۔ رضی اللہ عنہ، گفت می خواهم که با تو دوستی و برادری کنم گفت: دانی که حق برادری چیست؟ گفت آن که تو به زر و سیم خویش اولی تر از من نباشی۔ گفت بدین درجه رسیده ام۔ گفت: پس برو که این کار تو نیست۔ ابن عمر گوید رضی اللہ عنہ۔ یکی را از صحابه سر بریان فرستادند گفت: فلان برادر من از من اولی تر و حاجتمندتر است، بروی فرستاد۔ و آن کس به برادری دیگر فرستاد۔ و همچنین به چند دست بکشت تا آن گاه که به اول باز رسید۔

2. Translate any one of the following passages into English or Urdu or Hindi:

20

از متون زیر فقط یکی را به فارسی زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

این حکایت هم در آن محل فرمود که در خطبہ ناگور بزرگی بود او را حمید الدین سوالی گفتندی علیہ الرحمہ و الغفران، از او سوال کردند که بعضی از مشایخ نقل می کنند و بعد از نقل ایشان هیچ کس نام ایشان نمی گیرد و بعضی چون نقل می کنند نام وصیت ایشان به اقصای عالم می رسد این تفاوت احوال از کجا است؟ جواب داد که آن در حالت حیات در اشتباه خود کوشیده است بعد از وفات او نام وصیت او مندرس می شود و آنکه در حالت حیات خود را پوشیده داشته است بعد از وفات نام وصیت او به همه جهان می رسد۔ لختی سخن در مشایخ کبار افتاد و ترقی درجات ایشان بر ابدال بر لفظ مبارک راند که مردی در خانقاه حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی قدس اللہ سرہ العزیز در آمد یکی را دید بر در خانقاه افتاده و دست و پای او شکسته و خراب شده آن مرد پیش شیخ رفت و حکایت آن افتاد باز گفت و دعا درخواست۔

(B)

آدینه نوزدهم ماه شوال سنه المذكور بعد از نماز سعادت پایوس حاصل شد۔ سخن در آداب تصوف و اشارات مشائخ و اصلاحات ایشان افتاد و بر لفظ مبارک راند که شیخ جمال الدین بسطامی شیخ الاسلام حضرت دہلی رحمۃ اللہ علیہ مراسم اہل صفہ و اداب ایشان نیکو دانستی تا وقتی کوزه ای آب در نظر ایشان آوردند کہ آن کوزه چہار گوشہ داشت یعنی چہار چای گرفتن داشت بزرگی حاضر بود او گفت : این را کوزه لقمانی گویند۔ شیخ جمال الدین بسطامی گفت کہ چرا کوزه لقمانی گویند ؟ آن بزرگ ساکت شد۔ بعد از آن شیخ جمال الدین حکایت کرد کہ بزرگی بود او را شیخ لقمان سرخستی گفتندی رحمۃ اللہ علیہ، مناقب او بسیار راست تا از اومی آرند کہ مگر جمعہ ای از او فوت شد یا شعاری از ظواہر شرع و اللہ اعلم ایمہ آن شہر بہ احتسابا و بیرون آمدند۔

3. Reproduce any one of the following simple Persian :

15

یکی از متون زیر را بہ فارسی سادہ باز نمایند :

(A)

بر زبان است کہ در حق برادران نیکو گوید، و عیوب ایشان پوشیدہ دارد و اگر کسی در غیبت حدیث ایشان کند جواب ندهد و چنان انگار کہ وی از پس دیواری شنود، چنانکہ خواهد کہ وی باشد در غیبت او، وی نیز در غیبت او همچنان باشد، و مہانت نکند، و چون سخن گوید بشنود، و با وی خلاف و مناظرہ نکند و هیچ سزاوی آشکار نکند اگر چہ پس از وحشت بود کہ لئیم طبعی باشد و زبان از غیبت اہل فرزند و اسباب وی کوتاہ دارد، و اگر کسی بروی قدح کند با وی نگوید، کہ رنج وی از رسانندہ بود، و چون وی را نیکو گویند از وی پنهان ندارد، کہ آن از حسد بود، و اگر دوری تقصیری رود گلہ نکند و وی را معذور دارد، و از تقصیر کند و بداند کہ اگر کسی طلب کند کہ دوری هیچ تقصیر نبود ہرگز نیابد و آنگاہ از صحبت خلق بیفتد۔

P.T.O.

(B)

بعد از آن فرمود که در میان هر عامی خاصی هست، هم در این باب حکایت فرمود که شیخ بهاء الدین زکریا کثیر السیاحت بود، وقتی بر سر جمعی از جو اقیان بر سید در میان ایشان بنشست - نوری در آن جمع پیدا شد، چون نیکو نگاه کرد یکی را از آن جمله دید که نوری از او ساطع می شود، آهسته نزدیک او برفت و با او گفت تو در میان این قوم چه کنی؟ او جواب داد: یاز کریا؟ تا بدانی که در میان هر عامی خاصی است؟ هم در این باب حکایت فرمود که وقتی بزرگی در میان جمعی هم ازین بابت رسید یکی را دید که دو رکعت نماز قرآن تمام کرد - آن بزرگ حیران شده با خود گفت که در این سلکی که این مرد است این نوع طاعت از او غریب باشد نه همانا که در این کار مستقیم تواند بود، الغرض چون از ایشان بگذشت بعد از ده سال باز بر سر آن جمعی رسید - آن درویش را هم بر آن قرار دید - آننگا گفت حقیقت معلوم کردم که در میان هر عامی خاصی هست -

4. Write a short note on life of Imam Ghazali. 10
گزارش کوتاهی در باره احوال و زندگی امام غزالی بنویسید -
5. What are the salient features of Fawaid ul Fawad (فوائد الفواد). 10
مختصات فوائد الفواد را بنویسید -